گزارش یک

بهناز قاسمی

نانوایی‌های بربری و سنگک مناطق ۱ تا ۳ تهران آزادپز شدند

# خیز زیرپوستی دولت برای گران‌سازی نان

**رئیس کارگروه آرد و نان: پیش از آزادپز شدن نیز در این مناطق به دلیل اختلاف قیمت، تخلفات متعددی در عرضه نان مشاهده می‌شد**
**بنابراین کارگروه تصمیم گرفت نانوایی‌های بربری و سنگک این مناطق با آرد آزاد فعالیت کنند**

**بعد از افزایش قیمت نان در هفته گذشته، از کارگروه آرد و نان استان تهران خبر رسید که نانوایی‌های بربری و سنگک مناطق ۱ تا ۳ تهران آزادپز شدند و به این ترتیب تبعیض در خرید نان، میان ساکنان مختلف تهران کلید خورد. هر چند که ساکنان این مناطق از تصمیم دولت ابراز نارضایتی می‌کنند، اما اتحادیه نان سنگک و بربری استان معتقدند که نانوایان این مناطق با آرد یارانه‌ای، نان را همچنان به نرخ آزاد می‌فروختند و تخلفات متعددی در عرضه نان مشاهده می‌شد، اکنون با تصمیم کارگروه آرد و نان و آزادپز شدن نانوایی سنگک و بربری در این مناطق از حیف و میل شدن بیت‌المال جلوگیری کردیم. اکنون این سؤال مطرح می‌شود، آیا عدم نظارت بر گرانفروشی نانوایان، دلیل منطقی برای آزادپز شدن و افزایش قیمت نان است؟ اگر دولت با همین دست فرمان پیش برود، یارانه سایر اقلام ضروری مردم نیز حذف خواهد شد و در شرایطی که گرانی و نرخ تورم ۸۰ درصدی سفره مردم را کوچک کرده، باید منتظر تکرار تجربه حذف ارز تدریجی در ماه‌های آتی و شوک قیمتی جدید باشیم. به نظر می‌رسد برای آزادسازی قیمت نان و حذف یارانه دولتی، گام نخست آزادپز شدن نانوایان و عادی شدن قیمت‌های گران نان برای مردم است که دولت در نخستین ماه تابستان آن را کلید زد.**

نان، یکی از کالاهای اصلی سبد غذایی در کشور است، با توجه به مصرف بالای نان در ایران، تغییرات در قیمت آن می‌تواند تأثیر مستقیمی بر امنیت غذایی خانوارها داشته باشد، زیرا افزایش قیمت نان باعث کاهش قدرت خرید آنها به ویژه دهک‌های متوسط و پایین می‌شود. از این‌رو مدیریت صحیح قیمت آرد و نان و عدم فشار هزینه‌ای بر خانوار، همواره در دولت‌های گذشته مورد توجه بوده‌است، اما دولت چهاردهم که ید طولایی در وارد کردن شوک بر سفره‌های مردم دارد، در نخستین سال آغاز به کارش (مهر سال ۱۴۰۳)؛ قیمت نان را ۶۰ درصد گران کرد و در قدم بعدی با حذف ارز ترجیحی و افزایش قیمت اقلام اساسی تیر خلاص را به سبد هزینه خانوار وارد کرد. اکنون چند هفته‌ای است که زمزمه حذف یارانه آرد و نان و افزایش مبلغ نان به کالا برگ خانوار مطرح شده‌است و هفته گذشته نیز قیمت‌های جدید نان سنتی اعلام و ابلاغ شد. هنوز مردم از شوک این قیمت‌ها خارج نشده‌بودند که روز گذشته از کارگروه آرد و نان خبر رسید، نانوایی‌های بربری و سنگک مناطق ۱ تا ۳ تهران آزادپز شدند.

این تصمیم کارگروه نه‌تنها باعث ایجاد تبعیض میان مناطق مختلف استان تهران می‌شود، بلکه به معنای پاک کردن صورت مسئله است. اینکه اتحادیه و تعزیرات بر کیفیت نان و گرانفروشی نانوایان نمی‌توانند نظارت درستی داشته باشند، دلیل درستی برای حذف نانوایان دولتی و گران کردن نان است؟ ادامه این روند منجر به حذف کامل یارانه‌ها و افزایش قیمت کالاهای مصرفی و خدماتی خواهد شد و به زودی باید شاهد موج جدید افزایش قیمت‌ها و تجربه دوباره حذف ارز ترجیحی و شوک دوباره به اقتصاد و سفره‌های مردم باشیم.

**■ بهانه‌های دولت برای آزادپز شدن نانوایان**

ضعف مدیریت در بخش آرد و نان باعث بهانه جویی‌های اتحادیه نانوایان شده‌است. از زمانی که سامانه نانینو راه‌اندازی شده تا میزان فروش نانوایان شفاف شود، اتحادیه‌ها مدام غر و لند می‌کنند و مدعی هستند که در شرایط فعلی که دولت یارانه زیادی به بخش آرد و نان می‌دهد، به دلیل قیمت دستوری دولت برای نان، نه نانوا راضی است و نه مصرف‌کننده.

این در حالی است که اگر اتحادیه‌ها و تعزیرات نظارت درستی بر نانوایان داشتند و از گرانفروشی نان جلوگیری می‌کردند و همزمان از نانوا هم در هزینه‌های جانبی‌اش حمایت می‌شد، دیگر این بهانه‌جویی‌ها وجود نداشت. اتحادیه نانوایان معتقد است که افزایش قیمت نان دلایل متعددی دارد که می‌توان به کاهش یارانه آرد، افزایش هزینه‌های تولید و دستمزد اشاره کرد، اما در شرایطی که قیمت آرد دولتی و آزاد تغییری نکرده و قیمت برق و گاز نانوایان؛ یارانه‌ای محاسبه می‌شود، دولت می‌توانست با نظارت بر هزینه‌های جانبی این واحدهای صنفی، هزینه‌های تولید را مدیریت و از افزایش قیمت نان جلوگیری کند، اما عملکرد دو ساله دولت پزشکیان نشان می‌دهد که علاقه چندانی به نظارت، ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی مشکلات ندارند و آزادسازی قیمت‌ها را راه‌حل تمامی مشکلات اقتصادی می‌دانند.

در این خصوص رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف ایران در توجیه آزادپز شدن نانوایی‌های مناطق ۱تا۳ می‌گوید: پیش از آزادپز شدن نیز در این مناطق به دلیل اختلاف قیمت، تخلفات متعددی در عرضه نان مشاهده می‌شد، بنابراین کارگروه آرد و نان تصمیم گرفت نانوایی‌های بربری و سنگک این مناطق با آرد آزاد فعالیت کنند. محمد جواد کرمی در توجیه اقدام این کارگروه می‌افزاید: در مناطقی که نیازی به پرداخت یارانه وجود ندارد، می‌توان با تصمیم کارگروه، یارانه را به بخش‌های هدفمندتر اختصاص داد. با توجه به این توجیهات، این سؤال مطرح می‌شود که آیا دولت می‌تواند مدعی شود که ساکنان مناطق ۱ تا ۳ جزو مرفهین هستند و استطاعت مالی برای خرید نان گران را دارند؟ آیا ساکنان این مناطق در لیست یارانه‌بگیران نیستند؟ و از همه مهم‌تر دولت بر پایه کدام جامعه آماری می‌تواند تشخیص دهد که کدام منطقه پایتخت به یارانه نان نیازی ندارند؟

وی با اشاره به اینکه این تصمیم در کارگروه آرد استانداری اتخاذ شده‌است، می‌گوید: آزادپز شدن نانوایی‌ها به معنای آن نیست که هر واحد صنفی بتواند به صورت خودسرانه از نرخ‌های یارانه‌ای خارج شود، این موضوع تنها با تصویب کارگروه آرد و نان مستقر در استانداری امکان‌پذیر است.

کرمی می‌افزاید: این تصمیم قبل از افزایش اخیر قیمت نان و در اردیبهشت ماه سال جاری فقط برای نانوایی‌های بربری و سنگک مناطق ۱، ۲ و ۳ تهران اتخاذ شده‌است و درباره سایر مناطق نیز در صورت لزوم، کارگروه آرد و نان تصمیم‌گیری خواهد کرد. یکی از دلایل اتخاذ این تصمیم، بالا بودن هزینه‌های اجاره و اداره واحدهای نانوایی در این مناطق بود که ادامه فعالیت با آرد یارانه‌ای را برای بسیاری از نانوایان دشوار کرده‌بود. همچنین به گفته یکی از اعضای اتحادیه نان سنگک، نانوایان دولتی مستقر در مناطق ۱ تا ۳ با آرد دولتی، نان به نرخ آزاد می‌فروختند و با تصمیم جدید کارگروه، از هدررروی بیت‌المال جلوگیری کردیم. این اظهارات همگی حاکی از مدیریت ضعیف بخش آرد و نان کشور و نبود نظارت بر عملکرد واحدهای صنفی است و پیش‌بینی می‌شود، آزادپز شدن تدریجی نانوایی‌های دولتی و عادی‌سازی برای خرید نان گران، نخستین گام برای حذف یارانه نان است که در ماه‌های آتی اتفاق خواهد افتاد.

**■ توجیه گرانی قیمت نان از سوی عضو کمیسیون کشاورزی مجلس**

بهانه‌های غیر منطقی برای گرانی نان به کارگروه آرد و نان محدود نمی‌شود، عضو کمیسیون کشاورزی مجلس نیز در زمین این کارگروه بازی می‌کند و می‌گوید: امروز نانواها با توجه به افزایش هزینه‌های تولید از جمله قیمت انرژی، دستمزد کارگر، آب، برق، گاز، اجاره مغازه و سایر هزینه‌های پخت نان خواستار افزایش قیمت نان هستند. محمد جلالی، در گفت‌وگو با ایسنا در پاسخ به این پرسش که آیا کمیسیون کشاورزی مجلس در جریان افزایش قیمت نان در تهران قرار دارد و علت این افزایش قیمت چیست، می‌افزاید: این موضوع فقط مربوط به تهران نیست. به عنوان مثال، در استان مرکزی نیز حدود ۲۰ روز تا یک ماه پیش قیمت نان تغییر کرد. این عضو کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط‌زیست مجلس با اشاره به یارانه پرداختی دولت در حوزه گندم و آرد می‌گوید: در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵، حدود ۵۰۴ همت برای خرید تضمینی گندم و یارانه آرد اختصاص یافته‌است. بخش عمده این منابع در همین حوزه هزینه می‌شود، اما با وجود تلاش تولیدکنندگان گندم، وزارت جهاد کشاورزی، دولت، مدیران دولتی و بخش خصوصی، متأسفانه به دلیل نابسامانی در نحوه تخصیص و مصرف یارانه آرد و گندم، نه تولیدکننده، نه نانوا، نه مصرف‌کننده و نه مدیران دولتی رضایت کامل ندارند.

**■ یارانه کلان آرد و نان تأثیر خود را در سفره مردم نشان نمی‌دهد**

جلالی در ادامه با بیان اینکه دولت باید در حوزه نان تصمیمات مناسب و شجاعانه اتخاذ می‌گوید: با وجود پرداخت یارانه بسیار کلان، متأسفانه آثار و منافع آن به آن شکلی که باید بر سر سفره مردم دیده نمی‌شود. جلالی در پاسخ به این سؤال که آیا مجلس با افزایش قیمت نان موافق است یا خیر می‌افزاید: من معتقدم دولت باید به گونه‌ای مدیریت کند که یارانه کلانی که در حوزه آرد، گندم و نان پرداخت می‌شود، هم موجب تأمین نان باکیفیت برای مردم شود، هم نانوایان رضایت داشته باشند و هم تولیدکنندگان که طبیعتاً باید از شرایط موجود منتفع شوند.

گزارش ۲

حسام کمالی

# ۷۰۰ رشته شغلی زیر پوشش نظام ارزیابی مهارت قرار می‌گیرند

**حدود ۷۰۰ رشته شغلی وارد نظام ارزیابی مهارت می‌شوند تا استانداردهای حرفه‌ای، آموزش‌های تخصصی و سنجش صلاحیت شاغلان بر پایه الگوی واحد سامان پیدا کند و اجرای این برنامه با مشارکت تشکل‌های کارگری و کارفرمایی انجام می‌شود و همزمان بررسی مشاغل سخت و زیان‌آور، حمایت از پژوهش‌های کاربردی و تقویت نقش تشکل‌های صنفی در فرآیند تصمیم‌سازی نیز در دستور کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار می‌گیرد.**

اجرای نظام ارزیابی مهارت در حدود ۷۰۰ رشته شغلی، یکی از برنامه‌های جدید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای سامان‌دهی بازار کار است که با مشارکت تشکل‌های کارگری و کارفرمایی پیش می‌رود تا معیارهای مهارتی در مشاغل مختلف بازنگری شود و نظام واحدی برای سنجش توان حرفه‌ای شاغلان شکل بگیرد و هدف اصلی این طرح، ارتقای مهارت نیروی کار، استانداردسازی مشاغل و افزایش بهره‌وری در واحدهای تولیدی و خدماتی است. در این برنامه، نقش تشکل‌های کارگری و کارفرمایی به حضور در جلسات مشورتی محدود نمی‌شود و این تشکل‌ها در تدوین استانداردهای شغلی، بررسی نیازهای مهارتی و ارائه پیشنهادهای تخصصی مشارکت می‌کنند و حضور فعال ذی‌نفعان، امکان تطبیق بهتر استانداردهای مهارتی با نیاز واقعی بازار کار را فراهم می‌کند و فاصله میان آموزش‌های تخصصی و نیاز بنگاه‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اجرای این برنامه را بر پایه اصل سه‌جانبه‌گرایی دنبال می‌کند که در این الگو، دولت، تشکل‌های کارگری و تشکل‌های کارفرمایی در فرآیند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری مشارکت دارند و دیدگاه‌های تخصصی خود را برای حل مسائل حوزه تولید، اشتغال و روابط کار ارائه می‌کنند و استمرار این شیوه، زمینه دستیابی به تصمیم‌های کارشناسی و پایدار را فراهم می‌کند و ظرفیت تشکل‌های صنفی را در حل مسائل بازار کار افزایش می‌دهد.

**■ بازنگری در مشاغل سخت با نظر تشکل‌ها**

بررسی مشاغل سخت و زیان‌آور نیز در فهرست موضوعات اولویت‌دار قرار دارد و این بخش از بازار کار، سال‌ها محل طرح دیدگاه‌های مختلف میان کارگران، کارفرمایان و دستگاه‌های اجرایی بوده و اکنون قرار است بررسی مقررات این حوزه با مشارکت تشکل‌های صنفی انجام شود تا تصمیم‌ها بر پایه شرایط واقعی محیط‌های کار، حفظ سلامت نیروی انسانی و استمرار فعالیت واحدهای تولیدی اتخاذ شود.

توجه هم‌زمان به حقوق نیروی کار و حفظ ظرفیت تولید، یکی از محورهای اصلی این بررسی است چرا که اصلاح در ضوابط مشاغل سخت، آثار مستقیمی بر بازنشستگی، بیمه، هزینه‌های تولید و وضعیت اشتغال دارد؛ از این رو بررسی کارشناسی و استفاده از دیدگاه فعالان این حوزه، بخشی از فرآیند تصمیم‌گیری خواهد بود.

در کنار این برنامه، حمایت از پژوهش‌های کاربردی نیز دنبال می‌شود و تدوین نظام مسائل حوزه کارگری و کارفرمایی، شناسایی دقیق چالش‌های روابط کار و ارائه راهکارهای اجرایی، بخشی از برنامه‌هایی است که برای ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری در دستور کار قرار دارد و استفاده از نتایج پژوهش‌های تخصصی، امکان اصلاح مقررات و تدوین سیاست‌های متناسب با نیاز بازار کار را تقویت می‌کند.

**■ تمرکز بر بهره‌وری و حضور مؤثر در مجامع بین‌المللی**

ارتقای بهره‌وری صنایع نیز در میان برنامه‌های اعلام‌شده قرار دارد به طوری که افزایش مهارت نیروی انسانی، بازنگری در استانداردهای شغلی و توسعه آموزش‌های تخصصی، سه محور اصلی برای ارتقای بهره‌وری محسوب می‌شود و بنگاه‌های اقتصادی نیز با استفاده از نیروهای ماهر، فرصت بیشتری برای افزایش کیفیت تولید و رقابت در بازارهای داخلی و خارجی پیدا می‌کنند.

تقویت حضور تشکل‌های کارفرمایی ایران در سازمان بین‌المللی کار نیز دنبال می‌شود به طوری که حضور فعال در این نهاد، زمینه تبادل تجربه، آشنایی با استانداردهای روز و گسترش همکاری‌های تخصصی را فراهم می‌کند. همچنین وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی آمادگی خود را برای حمایت از برنامه‌های مرتبط با روز ملی کارفرما اعلام می‌کند. در نشست مشترک مسئولان حوزه روابط کار و نمایندگان تشکل‌های کارفرمایی، مسائل مرتبط با تولید، اشتغال، روابط کار و فعالیت تشکل‌های صنفی بررسی می‌شود و نمایندگان تشکل‌های کارفرمایی نیز بر ضرورت تقویت جایگاه این تشکل‌ها، حمایت از بخش تولید، توسعه فرصت‌های شغلی و فراهم شدن بستر مناسب برای رشد اقتصادی تأکید می‌کنند. به هر روی اجرای نظام ارزیابی مهارت در ۷۰۰ رشته شغلی، آغاز مسیری برای اصلاح ساختار مهارتی بازار کار است و تحقق اهداف این برنامه به تدوین استانداردهای دقیق، همکاری مستمر تشکل‌های صنفی، اجرای صحیح مقررات و پیوند مؤثر میان آموزش‌های مهارتی و نیاز واقعی بازار کار وابسته است.

گزارش ۳

زینب زرین

# محدودیت سقف کارت بازرگانی ترمز صادرات را می‌کشد

**صادرکنندگان برای عبور از سقف ۵۰۰ هزار دلار باید با ارائه ضمانت‌نامه بانکی، مجوز ادامه صادرات را دریافت کنند**

**نابسامانی در روند صادرات، این‌بار از گلوگاه مجوز بارگیری سر بر آورده‌است، به طوری که محدودیت سقف کارت بازرگانی که برای بخشی از فعالان تجاری اعمال شده، اکنون به توقف برخی محموله‌های صادراتی در گمرک انجامیده و نکته مهم آن است که این ایراد هنگام ثبت اظهارنامه آشکار نمی‌شود و صادرکننده پس از دریافت کوتاژ، در مرحله اخذ مجوز بارگیری با قفل سیستمی روبه‌رو می‌شود که هزینه، تأخیر و بلاتکلیفی محموله‌ها را در پی دارد.**

صادرکنندگان دارای پروانه صنفی این روزها با مانعی تازه در فرآیند صادرات روبه‌رو شده‌اند به طوری که محدودیت سقف کارت بازرگانی که از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت برای بخشی از کارت‌های بازرگانی اعمال شده، روند خروج کالا از کشور را با اختلال همراه کرده‌است و این محدودیت عمدتاً واحدهای دارای پروانه صنفی را دربر می‌گیرد و سقف صادرات آنها را تا ۵۰۰ هزار دلار تعیین کرده‌است. مشکل وقتی برجسته می‌شود که صادرکننده پس از ثبت اظهارنامه و دریافت کوتاژ، مراحل اداری را ادامه می‌دهد، اما هنگام دریافت مجوز بارگیری، سامانه به دلیل تکمیل سقف مجاز کارت بازرگانی، ادامه فرآیند را متوقف می‌کند و به همین علت، بخشی از کالاهایی که تمام تشریفات اولیه را پشت سر گذاشته‌اند، در گمرک متوقف مانده‌اند و امکان خروج از کشور را ندارند. طبق تصمیم ابلاغ‌شده، صادرکنندگانی که قصد دارند بیش از سقف ۵۰۰ هزار دلار صادرات انجام دهند، باید با مراجعه به سازمان توسعه تجارت یا ادارات صنعت، معدن و تجارت استان‌ها، ضمانت‌نامه بانکی متناسب با ارزش کالای صادراتی ارائه کنند و پس از بررسی مدارک و انجام مراحل مربوط، امکان ادامه فرآیند صادرات برای این گروه فراهم خواهد شد.

**■ خطای سیستمی، صادرکنندگان زیر سقف را هم گرفتار کرد**

بررسی‌های انجام‌شده از سوی گمرکات اجرایی، به بروز مشکل دیگری نیز اشاره دارد و برخی اظهارنامه‌هایی که ارزش آنها کمتر از ۵۰۰ هزار دلار است نیز با همان خطای سقف کارت مواجه شده‌اند که بیانگر آن است که اختلال موجود صرفاً به صادرکنندگان عبور کرده از سقف تعیین‌شده محدود نیست و بخشی از پرونده‌های دیگر را نیز درگیر کرده‌است.

برای این دسته از فعالان اقتصادی نیز مراجعه به ادارات صنعت، معدن و تجارت استان‌ها یا سازمان توسعه تجارت ضروری اعلام شده تا وضعیت کارت بازرگانی بررسی و ایراد سامانه برطرف شود و تا زمان رفع این مشکل، امکان صدور مجوز بارگیری برای این اظهارنامه‌ها نیز وجود نخواهد داشت.

فعالان اقتصادی معتقدند توقف کالا در آخرین حلقه تشریفات صادرات، هزینه‌های مضاعفی را به صادرکنندگان تحمیل می‌کند و هزینه انبارداری، توقف کامیون‌ها، تأخیر در اجرای تعهدات تجاری و احتمال از دست رفتن بازارهای هدف، بخشی از پیامدهای این وضعیت است و صادرکننده‌ای که فکر می‌کرد پس از دریافت کوتاژ بخش عمده مسیر را طی کرده، ناگهان با مانعی روبه‌رو می‌شود که پیش از آن هیچ نشانه‌ای از آن در سامانه مشاهده نکرده است.

ابهام در زمان ثبت اظهارنامه نیز یکی از مهم‌ترین انتقادهای مطرح‌شده از سوی فعالان این بخش است و اگر سامانه در همان مرحله ابتدایی، وضعیت سقف کارت را اعلام کند، صادرکننده پیش از آغاز تشریفات اداری برای رفع مشکل اقدام خواهد کرد و از توقف کالا در مراحل پایانی جلوگیری می‌شود.

**■ تعیین تکلیف فوری برای کالاهای فسادپذیر**

بخش دیگری از این ابلاغیه به محموله‌های سریع‌الفساد اختصاص دارد و این گروه از کالاها به دلیل ماهیت خود، امکان ماندگاری طولانی در گمرک را ندارند و تأخیر، خسارت مستقیم به صاحبان کالا وارد می‌کند، به همین دلیل از صاحبان این محموله‌ها خواسته شده‌است در کوتاه‌ترین زمان ممکن برای تعیین تکلیف اظهارنامه و رفع ایراد کارت بازرگانی اقدام کنند.

وقتی مقصد از سوی دیگر بسیاری از کالاهای فسادپذیر، بازارهای خارجی با زمان‌بندی مشخص برای تحویل کالا است و تأخیر در بارگیری، احتمال لغو قرارداد، کاهش اعتماد خریداران خارجی و تحمیل هزینه‌های اضافی را افزایش می‌دهد.

کارشناسان حوزه تجارت نیز اعتقاد دارند هماهنگی بیشتر میان سامانه‌های گمرکی و سامانه‌های مرتبط با کارت بازرگانی، از تکرار چنین مشکلاتی جلوگیری خواهد کرد و اعلام وضعیت سقف کارت در نخستین مرحله ثبت اظهارنامه، روند صادرات را شفاف‌تر می‌کند و از تشکیل پرونده‌های بلاتکلیف در گمرک می‌کاهد.

اعمال محدودیت سقف کارت بازرگانی با هدف مدیریت فعالیت برخی کارت‌ها انجام شده است، اما اجرای آن در شرایط فعلی، فرآیند صادرات را با وقفه همراه کرده‌است و ادامه این وضعیت، بخشی از صادرکنندگان را ناچار می‌کند پیش از هر اقدام تجاری، وضعیت سقف کارت خود را از مراجع مربوط استعلام کنند تا در مرحله بارگیری با توقف ناگهانی روبه‌رو نشوند، بنابراین رفع سریع خطاهای سامانه و تسریع در بررسی پرونده‌های موجود، مطالبه اصلی فعالان بخش صادرات است که پاسخ به آن، از افزایش هزینه‌های تجاری و توقف بی‌دلیل کالاها جلوگیری خواهد کرد.

نکته

## واگذاری بی‌ضابطه هم «ترک فعل» است

گزارش اخیر دیوان محاسبات درباره اجرای بند «ت» ماده ۲۸ قانون برنامه هفتم، یک نکته مثبت و امیدوار کننده دارد مبنی بر اینکه این نهاد نظارتی سرانجام به سراغ ترک فعل‌هایی رفته‌است که سال‌ها در ساختار اجرایی کشور عادی‌سازی شده‌بودند و اعلام اینکه از میان ۷۴ شرکت مشمول واگذاری در صندوق‌های بازنشستگی، فقط دو شرکت تا پایان مهلت قانونی واگذار شده‌اند، تذکری جدی به مدیرانی است که اجرای قانون را به تأخیر انداخته‌اند. با این حال، نکته اساسی وجود دارد که نباید زیر سایه آمار و ارقام گم شود و آن اینکه آیا مسئله صرفاً واگذار نشدن شرکت‌هاست یا چگونگی واگذاری نیز به همان اندازه اهمیت دارد؟

تقریباً در ضرورت کاهش بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی تردید وجود ندارد و صندوقی که باید منابع خود را صرف حفظ ارزش دارایی‌ها، پرداخت مستمری و تضمین پایداری مالی کند، نباید درگیر اداره ده‌ها شرکت تولیدی، خدماتی و بازرگانی باشد و قانون برنامه هفتم نیز با همین منطق، خروج صندوق‌ها از شرکت‌داری را تکلیف کرده‌است، اما ایراد از جایی آغاز می‌شود که گویی تمام مسئله در انتقال مالکیت خلاصه شده و کیفیت این انتقال به حاشیه رانده شده‌است. مردم ما بارها هزینه سنگین خصوصی‌سازی‌های بی‌ضابطه را پرداخته‌است و هنوز پرونده‌های ماشین‌سازی تبریز، هپکو اراک، پالایشگاه کرمانشاه، نیشکر هفت‌تپه و کشت و صنعت مغان از حافظه افکار عمومی پاک نشده‌است که در این واگذاری‌ها، خریدار اهلیت مدیریتی و توان مالی لازم را نداشت و قیمت‌گذاری محل مناقشه بود و حتی تعهدات پس از واگذاری اجرایی نشد و در نهایت، کارگران، تولید و سرمایه ملی قربانی تصمیم‌هایی شدند که با عنوان خصوصی‌سازی اتخاذ شده‌بودند، البته بخش قابل توجهی از این پرونده‌ها سرانجام دوباره به دستگاه قضایی، دولت یا نهادهای نظارتی بازگشت؛ یعنی همان دارایی‌هایی که قرار بود باری از دوش دولت بردارند، به مسئله‌ای بزرگ‌تر تبدیل شدند. به همین دلیل، اگر امروز دیوان محاسبات با حساسیت ترک فعل در واگذاری را پیگیری می‌کند، انتظار می‌رود همان حساسیت را نسبت به کیفیت واگذاری نیز داشته باشد و خروج یک شرکت از فهرست دارایی‌های صندوق، پایان مسئولیت نظارتی نیست، بلکه آغاز مرحله‌ای حساس‌تر است و باید مشخص شود که خریدار بر اساس چه شاخص‌هایی انتخاب می‌شود؟ منابع مالی او از کجا تأمین شده‌است؟ برنامه اداره شرکت چیست؟ حفظ اشتغال، استمرار تولید، سرمایه‌گذاری جدید و ایفای تعهدات چگونه تضمین خواهد شد؟ و اگر پاسخ دقیقی برای این موارد وجود نداشته باشد، واگذاری صرفاً یک جابه‌جایی اسناد مالکیت خواهد بود.

نهادهای نظارتی نیز نباید موفقیت را با تعداد شرکت‌های واگذارشده بسنجند، چرا که اگر قرار باشد مدیران فقط برای رهایی از اتهام ترک فعل، هرچه سریع‌تر شرکت‌ها را واگذار کنند، انگیزه‌ای برای دقت در انتخاب خریدار باقی نمی‌ماند و نتیجه چنین رویکردی، تکرار همان چرخه‌ای خواهد بود که کشور در دو دهه گذشته بارها هزینه آن را پرداخت کرده‌است. ضمناً صندوق‌های بازنشستگی نیز دارایی شخصی مدیران نیستند که هر زمان اراده کردند، آن را به هر خریدار و با هر شرایطی منتقل کنند، این دارایی‌ها متعلق به میلیون‌ها بیمه‌پرداز و بازنشسته است که امنیت معیشت آنان به کیفیت مدیریت همین سرمایه‌ها گره خورده‌است و واگذاری ناموفق، در نهایت ارزش دارایی صندوق را کاهش می‌دهد و فشار آن بر منابع عمومی و حقوق بازنشستگان وارد می‌شود. دیوان محاسبات امروز فرصت دارد تا نقش خود را از یک ناظر صرف بر اجرای شکلی قانون فراتر ببرد و همان اندازه که تأخیر در اجرای تکالیف قانونی شایسته رسیدگی است، واگذاری‌های فاقد شفافیت، فاقد اهلیت‌سنجی و فاقد ضمانت اجرا نیز باید زیر ذره‌بین قرار گیرد و قاعدتاً نظارت زمانی کامل خواهد بود که از نخستین مرحله قیمت‌گذاری آغاز شود، فرآیند انتخاب خریدار را در بر گیرد و تا سال‌ها پس از انتقال مالکیت ادامه پیدا کند. به هر روی بیش از آنکه به آمار واگذاری نیاز داشته باشیم، به واگذاری‌های سالم، شفاف و پاسخگو احتیاج داریم و اگر قرار باشد برای ثبت یک عدد در گزارش عملکرد، شرکتی به خریداری سپرده‌شود که فردا همان پرونده به تیتر نخست رسانه‌ها و میز محاکم قضایی بازگردد، قانون اجرا نشده و فقط صورت مسئله تغییر کرده‌است، بنابراین ترک فعل، فقط اجرا نکردن قانون نیست و واگذاری بی‌حساب، چشم‌بستن بر اهلیت خریدار و بی‌اعتنایی به سرنوشت تولید نیز گونه دیگری از ترک مسئولیت است که هزینه آن را در نهایت مردم، کارگران و بازنشستگان خواهند پرداخت.

نگاه

## تولید در انتظار تغییر مسیر منابع بانکی

همزمان با روز ملی صنعت و معدن، مسئله هدایت منابع بانکی به بخش مولد، رفع محدودیت‌های انرژی، تسهیل صادرات و اجرای کامل قوانین حمایتی مورد مطالبه تولیدکنندگان قرار گرفت، چراکه چرخ تولید با سرمایه در گردش می‌چرخد و قاعدتاً وقفه در تأمین مالی، نخستین اثر خود را بر ظرفیت کارخانه‌ها بر جای می‌گذارد. رشد تولید صنعتی بیش از هر عامل دیگری به دسترسی بنگاه‌ها به منابع مالی وابسته است و با وجود حجم بالای نقدینگی در اقتصاد، همچنان بخش قابل توجهی از واحدهای تولیدی از کمبود سرمایه در گردش رنج می‌برند و این مسئله روند توسعه فعالیت‌های صنعتی را با محدودیت همراه کرده‌است.

مطابق قانون برنامه هفتم توسعه، هدایت منابع مالی به سمت بخش‌های مولد یکی از محورهای اصلی سیاست‌های اقتصادی کشور محسوب می‌شود، اما فعالان این حوزه همچنان معتقدند فاصله محسوسی میان تکالیف قانونی و عملکرد شبکه بانکی وجود دارد. براساس قانون، ۴۰ درصد منابع بانک‌ها باید به حوزه تولید و اشتغال اختصاص یابد، با این حال، بسیاری از تولیدکنندگان همچنان از دشواری دسترسی به تسهیلات، طولانی بودن فرآیند دریافت وام و کمبود منابع مالی گلایه دارند و معتقدند ادامه این روند، برنامه‌ریزی برای افزایش تولید، نوسازی تجهیزات و اجرای طرح‌های توسعه‌ای را با مانع روبه‌رو کرده و بخشی از ظرفیت صنایع را بدون استفاده باقی گذاشته است. صادرات نیز یکی دیگر از حلقه‌های مهم زنجیره تولید محسوب می‌شود و وقتی که بازار داخلی پاسخگوی حجم تولید نباشد، حضور در بازارهای خارجی به حفظ اشتغال، افزایش درآمد واحدهای صنعتی و ورود ارز به کشور کمک می‌کند، بنابراین تولیدکنندگان خواستار کاهش موانع اداری و فراهم شدن شرایطی هستند که محصولات ایرانی با سهولت بیشتری به بازارهای هدف راه پیدا کنند و رقابت‌پذیری صنایع داخلی افزایش یابد. همزمان، موضوع واردات کالاهای دارای مشابه داخلی نیز بار دیگر مورد توجه قرار گرفته‌است و بر پایه دیدگاه مطرح‌شده، کالاهایی که بیش از ۵۰ درصد نیاز کشور از محل تولید داخلی تأمین می‌شود، نباید از مسیرهای مختلف وارد بازار شوند؛ زیرا ورود این محصولات، بازار تولیدکنندگان داخلی را کوچک‌تر می‌کند و انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش صنعت را کاهش می‌دهد. همچنین مقابله با قاچاق کالا همچنان یکی از مطالبات جدی بخش تولید به شمار می‌آید، زیرا عرضه کالای قاچاق رقابت را برای واحدهای رسمی دشوارتر می‌کند. مشکل ناترازی انرژی نیز همچنان یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش ظرفیت تولید در کشور است و محدودیت در تأمین برق و گاز موجب‌شده بسیاری از کارخانه‌ها نتوانند با حداکثر توان فعالیت کنند و بخشی از خطوط تولید در مقاطع مختلف سال با توقف یا کاهش ظرفیت مواجه شوند و ادامه این وضعیت، هزینه تولید را افزایش می‌دهد و زمان تحویل سفارش‌ها را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

همزمان با مشکلات انرژی، برخی واحدهای تولیدی به دلیل شرایط اقتصادی موجود، در پرداخت حق بیمه و اقساط بانکی با فشار مالی روبه‌رو هستند و فعالان این بخش انتظار دارند سیاست‌های حمایتی، فرصت بیشتری برای ایفای تعهدات مالی در اختیار تولیدکنندگان قرار دهد تا منابع بنگاه‌ها به جای هزینه‌های جانبی، صرف حفظ اشتغال و ادامه فعالیت خطوط تولید شود. اجرای کامل مصوبات ستادهای تسهیل نیز یکی دیگر از مطالبات مطرح‌شده است و بسیاری از واحدهای صنعتی پس از دریافت مصوبه، در مرحله اجرا با موانع اداری روبه‌رو می‌شوند و همین مسئله اثربخشی تصمیم‌های حمایتی را کاهش می‌دهد. رفع این گره‌ها، همراه با اصلاح مسیر تأمین مالی، تسهیل صادرات، کنترل واردات کالاهای دارای مشابه داخلی و کاهش محدودیت‌های انرژی، ظرفیت بخش صنعت را برای افزایش تولید، توسعه بازارها و ارتقای جایگاه کالاهای ایرانی در بازارهای داخلی و خارجی تقویت خواهد کرد.